

# جزوه مختصری از درس تجربیات خاص حرفه ای معلمی

علی صادقی، گروه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان

## با لبخند شروع کنید.

این که با دانش آموزان خود ارتباط چشمی برقرار کنید و در حین احوال پرسی و قبل از شروع به تدریس به آنها لبخند بزنید خیلی مهم است.

در اولین سالهای تدریس، کمی از دانش آموزان می ترسیدم و در ابتدای تدریس جدی و عصبی بودم. به خاطر دارم؛ مدت زیادی طول کشید آرامش و لبخند را یاد بگیرم - اما تفاوت زیادی پس از اجرای آن مشاهده کردم. اگر برخی از دانش آموزان پاسخ نمی دهند، عقب نکشید؛ اکثرشان در آینده پاسخ خواهند داد. و به خاطر داشته باشید؛ حالتی جدی یا بی طرفانه در چهره تان، پیام بی طرفانه ی شما را منعکس نمی کند- بلکه پیامی منفی را انتقال می دهد (من اینجا هستم چون مجبورم، نه به این دلیل که کم ترین لذتی برای تدریس به شما دارم!) پیامی که به آسانی با یک لبخند تغییر می کند.

ارتباطات غیر کلامی، از جمله حالت صورت، زبان بدن و ژست ها، نقش کلیدی در حفظ ارتباط شما با دانش آموزان کلاس ایفا می کنند. طبق باورهای رایج اسطوره ای، ارتباطات غیر کلامی نمی تواند 50 درصد یا بیشتر پیام واقعی در طی یک مکالمه را انتقال دهد اما هم چنان نقشی بسیار مهم دارد. می توانید به صورت آنلاین عبارت "ارتباطات غیر کلامی" را جستجو کرده و راهنمایی های بسیار مفیدی را پیدا کنید. به طور کلی بیشتر وب سایت ها به روابط شخصی در زمینه ی استخدام شرکت ها مربوط می شوند. اما می توانند به آسانی بر تعامل کلاس نیز اعمال شوند.

با این وجود، توجه کنید که لبخند می تواند بیش از حد انجام شود. توصیه به لبخند زدن در ابتدای درس به این معنی نیست که شما باید در تمام مدت لبخند بزنید. البته میزان لبخندتان، به شخصیت شما بستگی دارد: برخی از ما بیشتر از دیگران لبخند می زنند. ولی به یاد داشته باشید که خنده هم مانند تعریف و تمجیدهای همیشگی و بی دلیل با استفاده ی بیش از حد از آن، اثرش را از دست خواهد داد. از لبخند برای پاسخ به موفقیت و ارتباط دهی مناسب زبان آموز استفاده کرده و یا ترکیب آنها را برای یک اظهار نظر مثبت در پایان فعالیت به کار بگیرید. بنابراین می توان کلاس را با وقفه ای کوتاه اما خوشایند پس از تلاش متمرکز بر روی تمرین های یادگیری، مدیریت کرد.

## • شروع و پایانی مشخص داشته باشید

زمانی مشخص برای شروع درس باید وجود داشته باشد؛ خط جدا کننده زمان ارایه درس از زمانی که تدریس نمی کنید و به همین ترتیب زمان پایان هم باید مشخص باشد.

بنابراین قبل از شروع درس، برای مرتب شدن، نشستن، آماده کردن کتاب های لازم، خودکار، لپ تاپ و سایر موارد، چند دقیقه به دانش آموزان فرصت بدهید. شما هم برای سازمان دهی خود به زمان احتیاج دارید: مثلاً توجه داشته باشید که هرگونه لوازم یا تجهیزاتی که برای تدریس و ارزشیابی نیاز دارید را آماده کنید. سپس با یک علامت واضح (یک کار مشخص) نشان دهید که درس شروع می شود:

(خوب، لطفا ساکت باشید. درس را آغاز می کنیم. با....). یا شاید صدای زنگ مدرسه باشد. در غیر این صورت ممکن است شما با "شروع آهسته" آغاز کنید که برخی از دانش آموزان به تدریج توجه کرده و برخی دیگر هم چنان با هم حرف می زنند. درچنین مواردی آغاز تدریس، کمی دشوار است و شما باید زمانی را برای آماده سازی کلاس و دانش آموزان اختصاص دهید.

همین امر در پایان تدریس نیز وجود دارد است. شما به نشانه ای واضح نیاز دارید که اتمام درس را نشان دهد

## پایانی جالب داشته باشید

قبل از پایان کلاس، سعی کنید موضوعی جذاب برای انجام دادن یا گفتن پیدا کنید تا دانش آموزان تان، کلاس را با لبخند ترک کنند.

موارد زیر می توانند ایده هایی در این رابطه باشند:

- لطیفه یا داستانی بامزه،
- تحسین یا ستایش (اگر کار مثبتی انجام داده باشند) برای موفقیت یادگیری،
- معرفی یک وب سایت جدید و سرگرم کننده که شما به تازگی آن را یافته اید،
- بیان حقیقتی جالب در مورد زبان انگلیسی،
- تبریک به دلیل موفقیت یکی از دانش آموزان،
- خواندن آهنگ تولدت مبارک برای کسی که تولدش است.

بدیهی است که شما نمی خواهید زمان زیادی را برای این فعالیت ها بگذارید یا تلاش زیادی برای آماده سازی و برنامه ریزی آنها انجام دهید. اینگونه نیست که هر جلسه الزماً این کارها باید انجام شوند، اما پایان کلاس "با لبخند" چیزی است که در ذهنتان باید داشته باشید و هر وقت که می توانید آن را انجام دهید.

## . از تمرین های متنوع استفاده کنید.

متداول ترین روش پرداختن به تمرین های کتاب در کلاس، همان روش سنتی \_کلاسیک\_ استاد شاگردی یا چیزی شبیه بازی "پینگ پونگ" است. معلم می پرسد که "چه کسی می تواند اولین سوال را پاسخ دهد؟". دانش آموزان دستانشان را بالا برده، معلم یکی از آنها را برای پاسخ دادن انتخاب می کند و سپس پاسخ های آنها را تصحیح یا تأیید می کند. با

نوع قدیمی و متداول پرسش و پاسخ تعاملی که در بالا توصیف شد، زیان های زیادی دارد. این روش، خیلی کوتاه است: در یک زمان تنها یک دانش آموز را به فعالیت وا می دارد، موجب خستگی سایرین می شود، و دانش آموزانی که داوطلبانه دست خود را بلند نمی کنند، احتمالاً هیچ توجهی به مباحث نداشته باشند. گاهی اوقات، کتاب های درسی گزینه های دیگری را پیشنهاد می کنند، البته همه کتاب ها این چنین نیستند. در اینجا ایده هایی ارائه می شود:

- به دانش آموزان اجازه دهید به اصطلاح "پینگ پونگ" را در گروه های کوچک، با ایفای نقش معلم توسط یک دانش آموز، تمرین کنند. فقط در صورتیکه از پاسخ مطمئن نباشند از شما کمک می-خواهند.
- دانش آموزان تمرین را به صورت دوتایی، شفاهی یا کتبی، انجام می دهند.
- دانش آموزان تمرینات نوشتاری را انفرادی انجام می دهند.
- دانش آموزان هر قدر از تمرینات نوشتاری را که می توانند انجام بدهند، بنویسند (انفرادی، یا دوتایی)، در حین فعالیت به آنها بگویید که پنج دقیقه زمان دارند.

## فعالیت ها را بازبینی کنید.

وظیفه یک کتاب خوب این است که اغلب فعالیت ها را برای تقویت یادگیری و ارائه موقعیت های بیشتر، دوباره بازبینی می کند. اما شما گاهی برای بار دوم باید تغییراتی در آن به وجود آورید تا چالش های متفاوت تری ایجاد کرده و مطمئن شوید دانش آموزان خسته نیستند.

یک تکلیف مفید، حتی اگر چند بار مورد استفاده قرار گیرد باز هم قابل استفاده است. تحقیقات زیادی نشان می دهند که تکرار خواندن یا تکرار یک تمرین، منجر به یادگیری بهتر می شود. در کلاس های بزرگسالان می توانید به دانش آموزان اعتماد کرده و به طور واضح بگویید که برای ثبت ذهنی بیشتر و مرور، ما تمرین ها را دوباره بررسی می کنیم. البته در بار دوم مسلماً سرعت بیشتر شده و آنها احساس خستگی نخواهند کرد. زمانی که با دانش آموزان جوان یا کم انگیزه تر کلاس دارید باید در مورد این که چه طور این تکرار مطالب را جذاب و جالب کنید فکری کنید. شما می توانید:

- به دانش آموزان بگویید که فعالیتی را دو نفره با فردی متفاوت انجام دهند.
- از دانش آموزان بخواهید که کتاب هایشان را ببندند و بخش از تمرین ها یا متون را که به یاد می آورند، در برگه ای بنویسند.
- به دانش آموزان بگویید تمرین را دوباره به عنوان تکلیف منزل انجام دهند.
- به دانش آموزان بگویید که تمرین ها یا متن را مجدداً انجام دهند اما در هر جمله یک کلمه جدید را بدون تغییر بیش از حد معنی وارد کنند.

## اسامی دانش آموزان را یاد بگیرید.

یادگیری اسامی دانش آموزان، مخصوصاً در کلاس بزرگ (حجم -تعداد دانش آموزان) می تواند کمی دشوار باشد. بعضی از معلمان از دانش آموزان می خواهند که اسامی شان را بر روی کارت هایی نوشته و آنها را (کارت ها) را بر روی لباس ها یا میزشان قرار دهند و یا اسم هایشان را بر روی یک برنامه درسی واضح و قابل مشاهده ثبت کنند. اما من ترجیح می دهم این کار را بدون این تکنیک ها (نوشتن روی کارت و...) انجام دهم. چون اگر از آنها استفاده کنم، خودم را به استفاده از کارت ها یا برنامه ها وابسته می کنم و برای یادگیری نام دانش آموزان تلاش نمی کنم.

بنابراین توصیه من این است که سعی کنید نام دانش آموزان را از طریق روش های نام گذاری مستقیم یاد بگیرید. در جلسه اول از دانش آموزان می خواهم که خودشان را معرفی کنند، سپس خودم را آزمایش می کنم. به آنها می گویم که " شما خانم/آقای ----هستید" و سعی می کنم آنها را به یاد بیاورم و از آنها می خواهم اگر اسمی را فراموش کردم، به من یادآوری کنند.

## درس را جالب و جذاب کنید.

اگر دانش آموزان به آنچه که انجام می دهند، علاقه مند باشند، علاقه بیشتری به انجام دادن تکالیف مربوط به آن دارند و حتی بدون اجبار و قانون، بر تمرین تکالیف همراه با نظم و قانون تلاش می کنند.

یکی از همکارانم شخصیتی پر جاذبه و مقتدر داشت که وی را قادر می ساخت کلاس را بی دردرسر کنترل کند. او وارد کلاس می شد و دانش آموزان فوراً ساکت می شدند و منتظر بودند تا صحبت کند. او محبوب دانش آموزان بود، و بعلاوه رئیس ناخوشایند و بدی هم نبود. او فقط اقتداری ذاتی داشت. نمی دانم چطور اینقدر مقتدر بود، خودش هم نمی دانست.

بسیاری از ما معلمانی شبیه به او را دیده ایم، چه زمانی که دانش آموز بوده ایم و چه درمیان همکاران مان. اما من قبلاً و حالا نیز این خصوصیت اقتداری را نداشته ام.

- شروع تدریس خود را با فعالیت هایی کوتاه تر و متنوع تر، برنامه ریزی کنید.
- از تصاویر و یا سایر ابزارهای بصری، برای توصیف و ثبت متن یا تکالیف استفاده کنید.
- از فعالیت هایی استفاده کنید که همه یا اکثر دانش آموزان را یکباره درگیر کند.
- از بازی ها استفاده کنید و اطمینان حاصل کنید که غنی از مطالب آموزشی باشند.

## از مواجهه (مقابله) بپرهیزید.

برخی از دانش آموزان، به ویژه نوجوانان، گاهی اوقات در مورد مسائلی نظیر تکالیف زیاد یا تکالیفی که دوست ندارند، پرخاشگر شده و سعی می کنند که در ملاء عام با شما بحث کنند. این کار را نکنید. اگر درگیری فقط با دانش آموزی خاص است، زمانی برای ملاقات و گفت و گوی خصوصی با او تنظیم کنید و مشکل را بدون هیچ مخاطب دیگری حل کنید. اگر این مسئله، با کل کلاس است، اساساً سه گزینه وجود دارد؛

نخست: بر تصمیمات خود اصرار و پافشاری کرده و سریع از آن بگذرید.  
دوم: اگر فکر می کنید حق با آنهاست، کوتاه بیايید. در این صورت اعتبارتان را از دست نخواهید داد، اگر الف سریعاً آن کار را انجام دهید و دلایل آن را بگویید. ب) خیلی این کار را انجام ندهید (تسلیم شدن).  
سوم: عقب انداختن، به آنها بگویید که الان نمی خواهید در مورد آن بحث کنید. اما در جلسه بعدی آن را بررسی می کنید و سپس هر چیزی را که برنامه ریزی کرده اید، ادامه دهید.

## بازی های ساده انجام دهید.

از بازی هایی که مراحل زیادی دارند و زمان زیادی برای توضیح نیاز دارند، یا به وسایل پیچیده نیاز دارند، بپرهیزید. اختصاص زمان برای توضیح و تشریح بازی و وسایل آن، بچه ها را از فضای خود بازی دور می کند.

بهتر است از بازی هایی که سریعتر قابل توضیح بوده، بلافاصله انجام می شوند، یا زمان کمی برای سازماندهی وسایل دارند، استفاده کنید. در غیراین صورت، شما متوجه می شوید که زمان زیادی را برای توضیح مراحل مختلف بازی و جواب دادن به سوالات یا توزیع و سپس جمع آوری کارت ها، تاس یا غیره از دست خواهید داد.

## همه یا اکثر دانش آموزان را درگیر کنید.

بازی‌هایی که تنها یک یا دو دانش آموز را درگیر می‌کند و بقیه فقط به آنها نگاه می‌کنند، نه تنها به یادگیری کمتری منجر می‌شود، بلکه سرگرمی و جذابیت کمتری برای بقیه دارد. بعنوان مثال، نوعی بازی های گروهی است که در آن نماینده تیم برای انجام کار و به دست آوردن امتیاز برای تیم شان پای تخته می‌آید، درحالیکه که دیگران غیرفعال هستند. پس سعی کنید بازی‌ها را طوری تطبیق دهید تا همه یا اکثر دانش آموزان، زمان بیشتری یا کل زمان کلاس را فعال باشند.

## دلیلی خوب برای کارِ گروهی داشته باشید.

مشارکت و همکاری دانش آموزان برای یادگیری بسیار کارآمد است، البته تنها در صورتی که این امر (همکاری گروهی) منجر به یادگیری مفید بشود. کار گروهی الزاماً به خودی خود، چندان عالی نیست. (هدفمند باشد).

به نظر من، درباره اهمیت استفاده از کارِ گروهی در پیشینه ادبیاتی، بیش از حد صحبت شده است. در اینجا نکاتی وجود دارد که قبل از تصمیم گیری برای اجرا، به تقسیم بندی/یا عدم تقسیم بندی کلاس به گروه های کوچک، باید در مورد آن فکر کنید، مانند:

- در برخی از تدریس هایی که مشاهده کرده ام، کار گروهی شامل "کارِ شلوغ" یا "نادیده گرفتن جمعی" با یادگیری اندک است. باید مطمئن شوید که یادگیری یا تمرین زبانی قابل توجهی وجود دارد.
- زمانی که به راحتی حواس دانش آموزان پرت شده و تمایل به ترک کلاس دارند، کنترل کارهای گروهی دشوار می شود.

## به دانش آموزان ضعیف تر توجه کنید.

معمولاً دانش آموزان قوی و دارای اعتماد به نفس، در فرآیندهای کلاسی شرکت کنندگان فعال تری هستند، تمایل دارند کسانی باشند که بیشتر مورد توجه معلم قرار بگیرند.

کنار آمدن با دانش آموزانی که پاسخ صحیح می دهند و خود را مسلط تر و با اشتباهات کمتر نشان می دهند، ساده تر و لذت بخش تر است. تعامل با کسانی که دائماً دچار اشتباه می شوند، همیشه تردید دارند و درس را متوجه نمی شوند، کمی سخت تر است. با این حال، این دانش آموزان به کمک ما بیشتر نیاز داشته و به واسطه آنها، تدریس متفاوت تری خواهیم داشت. از این رو، این نکته مهم است که در یک کلاس ناهمگون، باید در حد خودمان برای توجه به دانش آموزان ضعیف تر، بیشتر تلاش کنیم.

## بررسی کنید که تکالیف انجام شده باشند.

پاسخ سریع به تکالیف دانش آموزان، این پیام را منتقل می‌کند که به آنچه که آنها انجام می‌دهند، شما اهمیت می‌دهید و انگیزه آنها را نیز بالا می‌برد. عدم پاسخ به تکالیف نیز نتایجی معکوس را به دنبال دارد.

اخیراً با دانش آموزی صحبت می‌کردم که گفته بود، او به سادگی از انجام تکالیف دست کشیده است زیرا معلم تکلیف را مشخص کرده ولی بعداً هیچ توجهی به انجام دادن یا ندادن تکالیف، نداشته است. البته در دنیای ایده‌آل ما می‌خواهیم که دانش آموزان مستقل باشند، تا اهمیت تکالیف را درک کنند و آن را بخاطر مزایای یادگیری خودشان، انجام دهند. اما در اکثر موارد اینگونه نیست، آنها به شما نیاز دارند تا از تکالیفی که در خارج از کلاس انجام می‌دهند، قدردانی کنید.

## ارتباط چشمی را حفظ کنید.

پیام سخنرانانی که "درباره" گروهی از شنوندگان صحبت می‌کنند، به خوبی پیام سخنرانانی که مستقیماً "برای" شنوندگان صحبت می‌کنند، پذیرفته نمی‌شود، و این تفاوت عمدتاً به خاطر تماس چشمی است. ارتباط چشمی هم باعث جلب توجه دانش آموزان و هم باعث درک بهتر آنها از گفته های شما می‌شود. اگر ما مداوم به دانش آموزان نگاه کنیم، می‌توانیم پاسخ های آنها به سوالاتمان را خیلی ساده تر از طریق حالات و زبان بدن آنها مورد بررسی قرار بدهیم. به عنوان مثال، ما می‌توانیم ضعف درک مطلب را با اضافه کردن توضیحات و ساده سازی جبران کنیم. بنابراین به فاصله دور خیره نشوید و کلاس را با چشم هایتان زیر نظر داشته باشید. مراقب باشید که فقط به دانش آموزانی که در جلوی کلاس هستند، اشاره نکنید. توجه کنید که در گفتا حواستان به هر دو طرف باشد، نه فقط افرادی که در سمت چپ یا سمت راست نشسته‌اند (اکثر ما این کار را انجام می‌دهیم، هر چند زمانی که از این کار آگاه هستیم، حرکت چشمان خود را بیشتر می‌کنیم).

### موفق باشید

علی صادقی، گروه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان